

بازاندیشی در آموزش پزشکی (Reflection)

تهیه کننده گان:

دکتر سید مجتبی احمدی، دکتر قباد رضانی

باز اندریشی در آموزش پزشکی

هر حوزه یا رشته ی مطالعاتی، در گذر زمان مراحل کمال خود را طی می کند. کمال هر حوزه در حجم و کیفیت دانشی متجلی می شود که تولید و توزیع کرده و در عمل به کار برده است. با گذشت زمان، عده ای از صاحب نظران با تامل بر بسته های دانش تولیدی آن حوزه به انعکاس مبانی ارزشی، سیاسی، جامعه شناختی، روان شناختی و همینطور مبانی فلسفی و تئوری ها می پردازند. در این مطالعات سوژه مطالعه «دانش تولیدی» است؛ نه پدیده ها. اما بلوغ یک رشته در صرف انعکاس این مبانی نیست؛ بلکه به بازاندیشی آن مبانی نیز مربوط می شود.

باز اندیشی از شیوه های بنیادی آموزش است که در ارتقاء سطح آگاهی و مهارت در موقعیت های بالینی موثر شناخته شده است. این واژه از سال ۱۹۷۵ وارد آموزش پزشکی شد.

دیویی Dewey به عنوان اولین کسی که مفهوم بازاندیشی را مطرح ساخته است، بازاندیشی را

ملاحظه دقیق، فعال و مداوم هر عقیده یا شکل مفروض دانش می داند.

بازاندیشی به عنوان "فرایند بررسی یک تجربه عملکردی به منظور توصیف، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و آگاه شدن از یادگیری در مورد آن عملکرد" تعریف شده است.

بازاندیشی شکل دادن مجدد تجربه به منظور ارزیابی آن برای اهداف یادگیری (یادگیری انعکاسی) و یا بهبود عملکرد (عملکرد انعکاسی) است.

ساندرز، بازاندیشی را فرایندی فراشناختی می داند که قبل، حین و بعد از موقعیتها و با هدف ایجاد درک عمیقتر از شخص و موقعیتی که در آن قرار می گیرد رخ داده و برخورد بهتر و آگاهی از عملکرد و مواجهات آینده را به دنبال دارد.

پی آیندهای بازاندیشی:

بازاندیشی سبب تقویت رفتار مثبت و حذف رفتارهای نامناسب مراقبتی، بروز تفکر خلاق و نهادینه شدن مراقبت استاندارد مناسب با زمان و استفاده از توانمندی بیشتر در پزشکان و پرستاران و شکوفا شدن استعدادهای دانشجویان حاضر در بالین در مراقبت می شود.

از طریق روند بازاندیشی، دانشجویان و پرستاران شکافها و نیازهای یادگیری خود را شناسایی و آن را کاهش می دهند.

بازاندیشی در پزشکی امکان آمیزش و بازآرایی مفاهیم، مهارت ها، آگاهی ها و ارزش ها را در قالب ساختارهای دانش قبلی فراهم می سازد. بازاندیشی در صورتی که درست به کار رود، سبب رشد و ارتقای فرد خواهد شد.

دانشجو با تفکر عمیقتر در مورد تجربیات، از اعتقادات، ارزشها، احساسات، شخصیت و نقاط قوت و ضعف عملکرد خود آگاه شده؛ تفکر انعطاف پذیر و الگوی عملکرد هدفمند شکل گرفته و دانش و یادگیری، مهارت استدلال بالینی، حل مسأله، ارتباط با بیماران و همکاران، خود شکوفایی، حرفه ای بودن خود هدایت شونده، یادگیری مادام العمر، مهارتهای بالینی و مدیریتی و عملکرد حرفه ای ارتقا می یابد. جهت بازاندیشی مؤثر پنج مهارت اساسی نیاز است که عبارت است:

- خودآگاهی self-awareness
- تشریح Description
- تحلیل نقادانه Critical analysis
- سنتز
- ارزشیابی

بازاندیشی در عملکرد Reflective Practice

شوون Schön نظریه بازاندیشی در عملکرد یا به عبارتی بازاندیشی عملکردی را بیان کرده است. زمانیکه بازاندیشی در زمینه عملی و نسبت به عملکرد

نتیجه گیری

- ✓ بازاندیشی یک عامل کلیدی برای دانشجویان پزشکی تلقی می شود.
- ✓ بازاندیشی ابزاری اساسی برای اساتید و آموزش دهندگان است. شواهدی موجود است که بازاندیشی ساختاریافته در حین آموزش موارد بالینی فرایند یادگیری را از طریق دوباره ساختارمند کردن دانش پیشین تسهیل می کند.
- ✓ برای انجام بازاندیشی موثر باید ویژگی ها و اصول بازاندیشی صحیح در آن مد نظر قرار گرفته شود و با بکارگیری راهبردها و مدل‌های مناسب ارائه شود.
- ✓ با توجه به موقعیت آموزشی باید راهبرد مناسبی را جهت ارائه بازاندیشی انتخاب کرد.
- ✓ در پزشکی بازاندیشی به عنوان یکی از شواهد حرفه ای بودن و به منظور تقویت مهارت‌های مرتبط با فعالیت‌های بالینی و رفتارهای حرفه ای استفاده شده است.

منابع:

- Winkel AF, Yingling S, Jones AA, Nicholson J. Reflection as a Learning Tool in Graduate Medical Education: A Systematic Review. J Grad Med Educ. 2017 Aug;9(4):430-439. doi: 10.4300/JGME-D-16-00500.1. PMID: 28824754; PMCID: PMC5559236.
- Sanders J. The use of reflection in medical education: AMEE Guide No. 44. Med Teach. 2009 Aug;31(8):685-95. doi: 10.1080/01421590903050374. PMID: 19811204.
- Aronson L. Twelve tips for teaching reflection at all levels of medical education. Med Teach. 2011; 33(3):200-5. doi: 10.3109/0142159X.2010.507714. Epub 2010 Sep 27. PMID: 20874014.

برای کمک به فراگیران، برای این که معنایی از تجربه ساخته و از طریق تجربه یاد بگیرند، راهنمای زیر را ارائه نموده است:

(الف) توصیف: نوشتن شرحی از تجربه و پاسخ به این سؤال: مسائل کلیدی در این توصیف که لازم است به آن توجه شود، چیست؟

(ب) بازاندیشی: من در تلاش برای رسیدن به چه چیزی بودم؟ چرا من آن طور عمل کردم؟ عواقب ناشی از اقدامات من چه هستند؟

(ج) فاکتورهای تأثیرگذار: چه عواملی داخلی بر تصمیم گیری و اقداماتم تأثیر گذاشتند؟

(د) استراتژیهای جایگزین: آیا می توانستم با این وضعیت بهتر برخورد کنم؟

(ه) یادگیری: با توجه به تجربه گذشته و عملکرد در آینده چگونه می توانم به این تجربه معنا ببخشم؟

• مدل مزیرو و تیلور Mezirow & Taylor شش جزء برای بازاندیشی عنوان کرده اند:

- (۱) واکنش عاطفی (۲) توضیح و شرح (۳) بررسی درونی (۴) تجزیه و تحلیل انتقادی، (۵) ارزیابی؛ و (۶) برنامه ریزی اقدام جدید



حرفه‌ای رخ دهد به آن بازاندیشی عملکردی گفته می‌شود. به عبارت ساده‌تر بازاندیشی عملکردی، حالتی از بازاندیشی است که به دنبال ارزیابی مجدد بسیاری از موقعیتهای عملکردی و با هدف تداوم یادگیری و پیشرفت حرفه‌ای صورت می‌گیرد.

مدل های بازاندیشی

مدل گیبس براساس چرخه یادگیری تجربه ای کلب چرخه بازاندیشی ۸ مرحله ای (تجربه اولیه، توصیف، احساس، ارزشیابی، تحلیل، نتیجه گیری کلی، نتیجه گیری ویژه و برنامه عملکرد فردی) طراحی گردیده است. سؤالاتی که در این مدل بایستی پاسخ داده شود عبارتند از: (۱) چه اتفاقی افتاد؟ (۲) احساسات و افکار تان چه بود؟ (۳) خوب و بد این تجربه چه بود؟ (۴) چه درسی از این موقعیت گرفتید؟ (۵) چه کارهای دیگری می توانستید انجام دهید؟ (۶) اگر دوباره اتفاق بیفتد چه خواهید کرد؟



• مدل جانز و بارتون: بر اساس ۳ سؤال اصلی (چه چیزی اتفاق افتاد، چقدر آن اتفاق اهمیت دارد و حالا چه روی میدهد) طراحی گردیده است. این مدل ساده ترین مدل به منظور استفاده افراد مبتدی است. (جانز